

بَرَکاتِ این زمین زهراست

(کُلُّ أَوْلَادِي فِدَاكَ يَا، سَيِّدِي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ) ۴
رَاحَتِ الْأَوْلَادُ قُرْبَانَا، لِحُسَيْنٍ مَاتَ عَطْشَانَا

(أُمُّ عَبَّاسٍ وَ عُنْوَانِي، لِلطُّفُوفِ الرَّبِّ سَوَّانِي) ۲
لِحُسَيْنٍ كُلُّ أَحْزَانِي، وَ بِهِ الْكَرَّارُ أَوْصَانِي

رَاحَتِ الْأَوْلَادُ قُرْبَانَا، لِحُسَيْنٍ مَاتَ عَطْشَانَا
(کُلُّ أَوْلَادِي فِدَاكَ يَا، سَيِّدِي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ) ۲

(ذَابَ جِسْمِي فِي الْجِرَاحَاتِي) ۲

(أَخِذْهُمُ الزَّهْرَاءُ مَوْلَاتِي) ۲

لَا تَسْأَلْ عَنِّ عِنْدَ مَنَسَاتِي

بِي بَكَتْ عَنُّ السَّمَاوَاتِي

رَاحَتِ الْأَوْلَادُ قُرْبَانَا، لِحُسَيْنٍ مَاتَ عَطْشَانَا
(کُلُّ أَوْلَادِي فِدَاكَ يَا، سَيِّدِي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ) ۲

بَرَکاتِ این زمین زهراست، دَم و رُوحِ أَهْلِ دین زهراست
وَلِيُّ آلِهِ است مَوْلایم، وَلِیُّ أُمِّ مُؤْمِنِينَ زهراست
پسرم اگر که چون ماه است، مامِ ماهِ آفرین زهراست

(سه ستاره داشتم یک ماه، به فدایِ اَبی عَبْدِ اللَّهِ) ۲

پسرم که خلی آقا بود، چِشماش شبیه دریا بود
شَرَفِش به نوگریش بود و، شب و روز فکرِ مولا بود
سَرِ شُفَرَش آسَمونِ مِهمون، روزِی خُودش با زهرا بود

(سه ستاره داشتم یک ماه، به فدایِ اَبی عَبْدِ اللَّهِ) ۲

پسرم اُمیدِ مادر بود، عَموی عَلِیِ اصغر بود
سایه سارِ قاسِمَم بود و، پا به پای عَلِیِ اکبر بود
برای غُرُوبِ عاشورا، همه آرزوی خواهر بود

پسرم شیرِ دِلاور بود، ساقی و اَمیرِ لَشکر بود
پسرم فَاتِحِ خَیبر بود، پسرِ فَاتِحِ خَیبر بود
با همه جهان برابر بود

برا بچه های زهرا هم، برادر نبود نوگر بود

(سه ستاره داشتم یک ماه، به فدایِ اَبی عَبْدِ اللَّهِ) ۳

(عَلٰی وَ صَلَّی اللّٰهُ عَلٰی، الْبَاکِیْنَ عَلٰی الْحُسَیْنِ

حسین، حسین) ۲

رِسید کار به جایی ز عاشقی مارا
که در قَبیلَه ی ما هر چه بود مَجنون شُد

(رِسید کار به جایی ز عاشقی مارا) ۲

(که در قَبیلَه ی ما هر که بود مَجنون شُد) ۲

(حسین، حسین، حسین، حسین) ۲